



۲۳/۰۹/۲۰۱۴

س. ح. روغ

فقط یک گام بالا تر از سقوط

طی مهم ترین گام سیاسی دکتور اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور منتخب افغانستان گردید. مانند همیشه این انکشاف سیاسی هم موافقان و مخالفان را بر انگیخت.

مخالفان نوشتند که سند امضاء شده نه تنها عدول صریح از قانون اساسی است، بل عملاً قانون اساسی را تعطیل کرده است، بدون این که یک مرجع با صلاحیت ملی درین باره تصمیم گرفته باشد.

موافقان امید واری ها را با شخص دکتور احمدزی پیوند دادند؛ اهل تدبیر افغان به این نظر شدند که از آش در هم جوش کنونی چیزی بیشتر ازین نمی توانست بیرون کشیده شود.

به هر حال قریب به دقیق خواهد بود هرگاه بنویسیم که این انکشاف نه تنها یک احساس اطمینان در میان هموطنان نگران ما به وجود آورد، بل اینک می توان با یک دقت کم و بیش، چارچوب های شاید حد اقلی را نشان داد که افغانستان در طی آینده قریب به سوی آن در حرکت می شود. و این در حالی دلهره هموطنان هنوز رفع نشده است. نه تنها از این که آینده چه بیاورد، بل هم از این که آیا ثبات محفوظ خواهد ماند و یا نه؟

رئیس جمهور شدن دکتور اشرف غنی احمدزی آینده را قابل پیش بینی ساخته است؛ رئیس جمهور شدن دکتور احمد زی این انتظار و این امیدواری را تقویت کرده است که افغانان به سرعت و به سهولت به عمق بحران و سقوط پرتاب نخواهند شد.

حامد کرزی در جریان آخرین دیدار رسمی اش با مقامات امریکایی در کابل، با تأکید بر این که افغانستان نه باید میدان رقابت کشور های خارجی قرار گیرد، دو تذکر مهم داشت:

- یکی این که امریکا در سرتاسر جریان انتخابات جاری تداخل داشته است؛
- دیگری این که امریکا برای شکستن بن بست انتخابات کنونی با روسیه تفاهم کند؛

خوب حامد کرزی به خوبی به خاطر می آورد که افغانستان از مدت ها است که میدان رقابت قدرت ها است؛ و حامد کرزی به خوبی به خاطر می آورد که در دو انتخابات قبلی هم امریکا عمیقاً تداخل داشته است؛ پس منظور کرزی ازین تأکید اخیر چی بوده است؟

آیا کرزی می خواسته بگوید که کوشش و انتظار امریکا در این جهت بوده است که هرچه زود تر حکومتی در افغانستان رویکار شود که قرارداد امنیتی با امریکا را امضاء کند؟ پس آیا حامد کرزی می خواسته بگوید که زیدخل شدن ایران و پاکستان و روسیه در کشمکش های اخیر ازین نظر واقع شده است که امضاء شدن قرار داد امنیتی با امریکا را مزاحمت و یا احیاناً ممانعت کرده باشند؟

نه تنها همین گپ ها هم نو نیستند، بل اینک نگرش رئیس جمهور نو افغانستان جناب دکتور احمدزی در کانون توجه ما قرار می گیرد؛ به هر حال با در نظر داشت شواهد در باره رقابت های فزاینده ستراتیژیک در حوزه ما، فقط می توان این گمان را تأیید کرد که برخوردهای چندین جانبه ای که اوضاع افغانستان را دچار رکود و بحران ساخته اند، تشدید خواهند شد:

با بهانه های نو! و در مقیاس های نو!

همه چیز نشانه می دهد از این که بحران ما بسیار عمیق و سرنوشتی است.

و اما این تداخل "ستراتیژیک" در جنجال های سیاسی جاری وطن یک جانب دیگر هم داشت که اهمیت آن را نمی توان کمتر بر آورد کرد:

در طی ۱۳ سال اخیر، دیموکراسی، مهمترین «ارمغان» قلمداد شد که دو دسته به ما پیشکش شده و ما نمی توانیم آن را "قب" کنیم! انکشاف اوضاع اما طوری شد که کم کم مردم به همین دیموکراسی و به همین انتخابات باور کردند؛ مردم باور ها و امید های خود را با انتخابات اخیر گره زدند. هجوم مردم به حوزه های انتخاباتی معجزه یک مردمی بود که فقط همین چند وقت پیش زمامداران این و آن کشور با تمسخر آنان را عاجز از درک

«دیموکراسی و اینگونه چیزهای عجیب و غریب» می دانستند؛ و این معجزه را این مردم نه یک بار، بل دوبار و به تکرار نشان دادند، مردم با خون خود انتخابات را در برابر تهدید بنیادگرایی انتخاب کردند؛ اینک طبق سند مؤسس حکومت وحدت ملی - که در تحت "تداخل ستراتیژیک" فراهم آورده شده است - قالب های قومی، انتخابات و دیموکراسی را نه تنها عقب زد، بل جاگزین آن شد؛ اکثریت و اقلیت انتخاباتی به وسیلهٔ مقابله های قومی به بیرون پرتاب شدند. در یک کشوری که دو دور انتخابات دایر شد، در تحت فشار مقابله های قومی، حتی نتایج انتخابات اجازه نیافت که اعلان شود؛ این که این تعدیل در ارزش های سیاسی برای «جامعه جهانی» مهم است و یا نیست، این سؤال ما نیست؛

و اما سؤال ما اینست که آیا خبرگان افغان به دقت در نظر آورده اند که اتن های قومی، "واتن" ما با یک سقوط بی برگشت را بسیار کم ساخته است؟ خبرگان افغان باید هر چه زود تر وسیع ترین و نیرومند ترین نهضت مدنی برای تأسیس و دفاع از برنامهٔ اجماع افغانی را به وجود بیاورند.

تأسیس حکومت «وحدت ملی» را هرگاه اینگونه فهمیده ایم که بن بست جاری شکستنده شود، پس چیز قابل توجهی را هدف قرار نداده ایم. با نگاه به عقب، تأسیس حکومت وحدت ملی را در پاسخ به این عاجل ترین وظیفهٔ سیاسی باید فهمید که گرایش نزولی در انکشافات سیاسی وطن متوقف ساخته شود. این گرایش نزولی مهم ترین تناقضی است که افغانستان هم اکنون در آن لغزانیده شده است؛ حکومت وحدت ملی می تواند نخستین گام باشد، برای این که ما انکشافات آتی را در راهی بیاندازیم که این تناقض ها رفع و دفع شوند؛ خوبست هرگاه سیاستمداران ما در نظر گیرند که این وضع، بار عظیمی از مسؤولیت های سنگین تاریخی بر دوش آنان می گذارد.

آینده شاید حتی فاجعه را بپذیرد، اما شوخی و مضحکه را دیگر نمی پذیرد.

● «حکومت وحدت ملی» طی تعاطی یک سند دایر شد. از نظر تأسیس حکومت وحدت ملی دیده شود، این سند بیشتر از این که وحدت را تسجیل کند، جدایی را مسجل ساخته است؛ تفکیک مقامات، موضوع تأسیس حکومت وحدت ملی نیست؛ موضوع و پایهٔ تأسیس حکومت وحدت ملی، برنامهٔ وحدت ملی است. هرگاه به سوی وحدت ملی می رویم، پس سند باید بیان می داشت که حکومت وحدت ملی در پاسخ به کدام ضروریات عاجل ما دایر شده است؟

- این سند باید بیان می داشت که ظرفیت های حد اقل و بسیار ناچیز ما چگونه هماهنگ ساخته شوند؟
- و باید بیان میداشت که چگونه یک حرکتی به سوی آینده به راه انداخته شود، که هرچه بیشتر خصلت و مقیاس اجماعی و همگانی و وطنی بیابد.

پس سوال این می شود که ، معطوف به فرو کشیدن بحران، حکومت وحدت ملی کدام نخستین اقدامات را باید رویدست بگیرد؟؟

به نظر می رسد که ما اقدامات اولین ذیل را مشوره داده می توانیم:

۱- پیام آغاز دورهٔ احمدزی، علنی و روشن، باید پیام آرامش و پیام آشتی و پیام ایجاد امید های نو اجتماعی باشد. دقیقاً: برای همه !

نخستین اعلام موجودیت ریاست جمهوری احمدزی یک دعوت از همه برای برگشت به نقطهٔ صفر باشد: یک عفو عمومی بلاشرط، به عنوان پیش درآمد یک اجماع افغانی.

تا افغانان فرصت بیابند آنچه از نیرو های ریزه ریزه ای را که در همه سو پراکنده دارند، دوباره گرد هم بیاورند.

II- رفورم نظام سیاسی به حیث مهمترین مبنای اجماع افغانی

نظام سیاسی در افغانستان غیر متمرکز ساخته شود. منظور ازین تمرکز زدایی این است که برنامهٔ همه جانبه

برای تأسیس فوری سه نهاد متمایز از هم پیشکش شوند:

❖ دولت
❖ بازار آزاد
❖ جامعهٔ مدنی

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

همزمان یک رفورم اساسی در دو نهاد قضا و پارلمان آغاز شود؛ با یک تدریج لازم، نظام سیاسی در تناسب با پویایی درونی جامعه افغانستان قرار داده شود؛ این تناسب، یک تناسبی است در میان Multikulturell و Transkulturell. برای نخستین سال ها، هنوز باید نظام ریاستی حفظ شود تا مقدمات لازم برای به راه انداختن برنامه های چنین یک تحول بنیادی حاصل آمده باشد.

III- اعلام حمایت قاطع دولت از همه مذاهب مردم افغانستان؛ قانون اساسی نسبت به همه مذاهب مردم افغانستان یک نزدیکی مساویانه را تعریف می کند.

IV- اعلام حمایت قاطع دولت از همه ملکیت های قانونی

V- اعلام زبان های افغانستان به حیث زبان اداره و تعلیم و تربیه در محل

VI- اعلام برنامه "تفاهم منطوقی"

• در ذیل هر کدام از این بند ها می توان مشروحات نوشت؛ توقع می رفت که این شاخص ها در سند توأمیت مندرج باشند؛ اینک که بنا بر فشار حوادث چنین میسر نشده است، به غرض یاددهانی درج می شوند.

بدگویی و بدبینی آسان تر است؛ دست به دست هم بدهیم تا وطن ما حریق نگیرد؛ یک حریق که دست های متعددی برای برافروختن آن درکار است؛ یک حریق که برای آن «مغز خشک» در وطن ما بسیار است!
«گام های خود را سنجیده برداریم!»

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ